

مقایسه اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی قبل و بعد از قیام امام حسین (علیه السلام)

صدیقه فیض آبادی^۱

چکیده

حادثه عاشورا سراسر درس و عبرت است و راز تأکید بر حفظ یاد و خاطره عاشورا اهمیت درس آموزی و عبرت گیری از این رویداد است. این مقاله با عنوان "مقایسه اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی قبل و بعد از قیام امام حسین (علیه السلام)"، به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی قبل از قیام امام حسین (علیه السلام) و نیز آثار اجتماعی قیام امام حسین (علیه السلام) و آثار سیاسی آن بر جامعه اسلامی پرداخته است. شیوه جمع آوری اطلاعات، کتابخانه ای و شیوه تحقیق، نقلی و طریق تدوین، توصیفی می باشد. اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه عرب، قبل از قیام امام حسین (علیه السلام) را می توان در قالب دو دوره بررسی کرد: ۱. اوضاع سیاسی و اجتماعی از زمان رحلت پیغمبر (صلی الله علیه و اله وسلم) تا پایان خلافت عثمان؛ ۲. عصر استقرار جاهلیت نو (۳۵ تا ۶۱ ه.ق)؛ دوران امام حسین (علیه السلام) در این دوران، ساختار سیاسی و اخلاق و... به رسم پیش از اسلام درآمد. قیام امام حسین (علیه السلام) علاوه بر آثار اجتماعی که شامل احیای دین حقیقی، انسجام امت اسلامی و احیای امر به معروف و نهی از منکر و در نتیجه اصلاح امت، خروج از ایستایی و رشد و بالندگی بشریت بود، مترتب بر آثار سیاسی یعنی آزادی و ظلم ستیزی، قیام و شورش در امت اسلامی، انقراض بنی امیه، تشکیل حکومت اسلامی، می باشد.

کلید واژه ها: سیاسی، اجتماعی، قیام، جامعه اسلامی، امام حسین (علیه السلام)

^۱ - مدرس جامعه المصطفی، استان مرکزی واحد آشتیان

مقدمه

در سال شصت و یک قمری در سرزمین کربلا حماسه ای خونین به وقوع پیوست که شعله‌های پیام آن در تمام اعصار و قرون تا به امروز، در سطح جهان نورافشانی می‌کند و نسل‌های بشری را به سوی یکتاپرستی دعوت و از هر گونه شرک و بت‌پرستی و بازگشت به سنت‌های جاهلی بازمی‌دارد.

چنین نهضتی با اهداف انسان‌ساز و بلندی که دارد هرگز نباید فراموش گردد و با زنده ماندن آن باید زبانه‌های آتش فساد و انحراف خاموش و دین پاک رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و مرام معصومین (علیهم السلام) از هر گونه تحریف و بیراهه‌روی و خمودی محفوظ بماند. حادثه عاشورا سراسر درس و عبرت است و راز تأکید بر حفظ یاد و خاطره عاشورا اهمیت درس آموزی و عبرت‌گیری از این رویداد است.

انسان‌های بیدار دل نقطه‌های افتخارآفرین عاشورا و صفحه روشن را محور و الگو قرار می‌دهند و آن‌ها را سرمشق زندگی پاکیزه و طیب معرفی می‌کنند و به کار می‌بندند. درس‌هایی مانند فداکاری و گذشت از همه چیز در راه دین، شجاعت و دلیرمردی، قیام برای خدا، محبت و عشق به حضرت حق، عزتمندی و ذلت‌ناپذیری، احیاگری و اصلاح طلبی و ولایت‌پذیری و حرکت در این مسیر، عشق به شهادت و جانبازی در راه خدا، پاسداری از ارزشهای الهی و درس‌هایی که می‌تواند یک ملت را از ذلت به عزت برساند و جبهه کفر و استکبار را شکست دهد.

آنچه به این مقاله، اهمیت و ضرورت می‌بخشد لزوم تبیین نقاط درس آموز عاشورا برای افزایش دانش دینی و اجتماعی و سیاسی هر تشنه راه علمی می‌باشد؛ لذا مقایسه پیش رو به دنبال این می‌باشد که اولاً اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه قبل از قیام امام حسین (علیه السلام) چگونه بوده و قیام امام (علیه السلام) چه آثار سیاسی و اجتماعی با خود به همراه داشته است؟

به نظر می‌رسد قبل از قیام امام (علیه السلام) دوره‌ای شبیه جاهلیت فراهم آمده بود؛ البته جاهلیتی که ظاهراً نوین بود. و نیز آثار و برکات قیام امام (علیه السلام) چه از نظر سیاسی و چه از نظر اجتماعی بسیار مهم و درس‌آموز برای آیندگان باشد.

طبق بررسی‌هایی که از بین مقالات مربوط به امام حسین (علیه السلام) از سال هزار و سیصد و نود تا هزار چهارصد انجام شد مرتبط‌ترین مقاله به این مقاله، مقاله‌های زیر می‌باشد:

- مقاله‌ای با عنوان "مبانی سیاسی و اجتماعی نهضت امام حسین (علیه السلام) از منظر قرآن" (دل‌شاد، یاسر؛ مجله زلال وحی، زمستان ۱۳۹۲)

در این مقاله با توجه به مبانی سیاسی و اجتماعی قرآن، به نهضت امام حسین (علیه السلام) پرداخته شده و تجلی این مبانی را در مباحثی چون روشنگری، اصلاح و نهی از منکر، جهاد و عدل دنبال کرده است.

- "اهداف قیام عاشورا از نگاه امام حسین (علیه السلام)" (عاشوری لنگرودی، حسن؛ مجله ره‌توشه، سال ۱۳۹۴)

در این مقاله اهداف نهضت کربلا از زبان خود امام حسین (علیه السلام) یعنی از طریق وصیت‌نامه‌ها و نامه‌نگاری‌ها و جملات ایشان بررسی شده است.

- "وضعیت اجتماعی کوفه در آستانه قیام امام حسین (علیه السلام)" (رفیعی، امیر تیمور؛ نجفی نژاد، سعید؛ مجله‌ی تاریخ (دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات) تابستان ۱۳۹۴)

در این مقاله نوع و میزان تأثیرگذاری بافت اجتماعی خاص مردم کوفه در شکل‌گیری واقعه عاشورا و نیز میزان صحت نسبت دادن صفت بی‌وفایی به مردم کوفه در تمامی اعصار پس از عاشورا بررسی شده است.

- "زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی شکل‌گیری نهضت عاشورا" (عیوضی، محمد رحیم؛ مجله‌ی تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، بهار و تابستان ۱۳۹۰)

در این مقاله، سیر حوادث تاریخی از زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا امام حسین (علیه السلام) را پیگیری کرده تا به این پرسش پاسخ دهد که چگونه نهضت کربلا رخ داد؟
مرتبطترین پایان‌نامه با این مقاله، پایان‌نامه‌ای بود که در مجله معرفت انتشار یافته بود با عنوان "ریشه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قیام امام حسین (علیه السلام)" (عبدالمحمدی، حسین، ۱۳۸۹)

در این پایان‌نامه عوامل و زمینه‌های پیدایش نهضت عاشورا خصوصاً عوامل اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

کتاب‌های مرتبط با مقاله:

- آذرخشی دیگر از آسمان کربلا

(مصباح یزدی، محمد تقی؛ قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم، ۱۳۷۹)

این کتاب، مجموعه چند سخنرانی در تحلیل قیام عاشورا و بیان اهداف امام حسین (علیه السلام) از اقدام علیه یزید است. نویسنده این کتاب به روش تحلیلی و با استناد به آیات و احادیث، هدف امام حسین (علیه السلام) را اجرای حدود الهی و عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دانسته و با اشاره به مندرجات برخی روزنامه‌ها از مروّجان تساهل و تسامح دینی و مردم‌سالاری که اعمال خشونت را مطلقاً نفی می‌کنند به شدت انتقاد کرده است.

- کتاب "ارزیابی انقلاب امام حسین (علیه السلام) از دیدگاه جدید" (شمس‌الدین، محمد مهدی؛ مترجم: مهدی پیشوایی، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری الست فردا، چاپ اول، ۱۳۷۹)

نویسنده در این اثر درسه بخش اصلی به ارزیابی و تبیین نهضت عاشورا پرداخته است؛ بخش نخست، به شرایط سیاسی و اجتماعی انقلاب امام حسین (علیه السلام) و بخش دوم

موجبات و انگیزه‌های انقلاب و بخش سوم، آثار و نتایج انقلاب امام حسین (علیه السلام) در حیات جامعه اسلامی اختصاص داده شده است.

کتاب "امام حسین از زبان استاد مطهری" (عزیزی، عباس؛ قم، انتشارات صلاه، چاپ اول، ۱۳۸۱)

این کتاب مشتمل بر بیست و پنج فصل می‌باشد که برخی از فصول آن عبارت‌اند از ۱. فلسفه قیام امام حسین (علیه السلام)

۲. ویژگی‌های پیام‌ها و شعارهای نهضت حسینی می‌باشد.

این مقاله سعی دارد با روش کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات پرداخته و به صورت علمی و توصیفی از طریق زاویه‌ای جدید یعنی زاویه آثار و برکات، آثار سیاسی و اجتماعی حاصل از قیام امام حسین (علیه السلام) را به صورت یکجا و در یک مکان گردآوری کند و حالت پراکندگی و کم‌گویی مقالات دیگر را جبران کند.

مفهوم شناسی

معنای اجتماع

لغوی :

"- [ع.ف.] (ص.نسبت.) منسوب به اجتماع، مقابل فردی.

- کاری که به اجتماع و به همگان بستگی داشته باشد، آنچه مربوط به گروهی باشد که با هم زندگی می‌کنند مانند مؤسسات فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی، سیاسی، تعاونی و مانند آنها.

- کسی که با آداب و رسوم همگانی آشنا و دمساز است .

–(سیا.) طرفدار اجتماع سوسیالیست. کارهای اجتماعی: کارهایی که به سود اجتماع مردم صورت می‌گیرد.^۱

اصطلاحی:

جامعه شناس آلمانی، ماکس وبر "کنش انسانی را با عنوان «اجتماعی» تعریف می‌کند، در صورتی که به موجب معانی ذهنی مرتبط با کنش توسط افراد، «رفتار دیگران را در نظر بگیرد و از این طریق در مسیر خود قرار گیرد».^۲

در این مقاله، مراد از "اجتماعی" کاری است که به همگان و به اجتماع بستگی دارد.

معنای سیاست

لغوی:

– سیاست به کسر "س" به معنای "اداره کردن امور مملکت، مراقبت امور داخلی و خار جی کشور، اصلاح امور خلق|| رعیت داری، مردم داری، پلتیک. در فارسی به معنی عقوبت و مجازات هم می‌گویند.^۳

–[ع.سیاسة] حکم راندن بر رعیت و اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن، ریاست کردن.(امص.) حکومت، ریاست، حکمرانی. عدالت، داوری، سزا، جزا، تنبیه، محافظت حدود(سیا.) اداره امور داخلی و خارجی کشور.^۴

اصطلاحی:

–امام خمینی (ره) در تعریف سیاست فرموده‌اند: "سیاست به معنای اداره جامعه بر اساس مصالح آحاد افراد و ملت و گسترش نظم و عدل است و در سیاست اسلامی برای ایجاد

۱ - معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۹۱

۲ - سایت [https:// fa.m.wikipedia.org](https://fa.m.wikipedia.org)

۳ - عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ص ۶۷۶

۴ - ر.ک. : معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۹۰۲

و گسترش عدالت و هدایت مردم، نقشی ویژه و مهم در نظر گرفته شده و به همین علت سیاست اسلامی در اختیار و انحصار انبیا و اولیای الهی و صالحان امت است...^۱ همچنین علامه محمد تقی جعفری سیاست را اینگونه تعریف می‌کند: "سیاست به معنای حقیقی آن عبارتست از مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسانها در مسیر حیات معقول."^۲

معنای سیاسی

لغوی:

- "[ع.ع.] (ص.) منسوب به سیاست، مربوط به سیاست."^۳
- به کسر "س" به معنای "منسوب و مربوط به سیاست. و کسی که به کارهای سیاسی پردازد و سیاست را پیشه‌ی خود سازد."^۴ است

اصطلاحی:

"جامع‌ترین تعریف از فعل سیاست عبارت است از رابطه قدرت در جامعه."^۵
در این مقاله، سیاسی به معنای مربوط و منسوب به سیاست (حکومت و حکمرانی و اداره امور مملکت) به کار برده شده است.

معنای قیام

لغوی:

- معتدل شدن، بسته شدن، ایستاده شدن ستور از سستی، دوام و ثبوت داشتن، رواج پیدا کردن، ظاهر و ثابت شدن، ظهر و ثبت، به درد آوردن، قیمت کنیز به صد دینار رسیدن،

۱- محلوجی، محمد، جلوه‌های سیاست اسلامی (با الهام از اندیشه‌های سیاسی الهی امام خمینی)، ص ۱۷

۲- جعفری، محمد تقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۴۷

۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ص ۹۰۳

۴- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ص ۶۷۷

۵- بهروز لک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، ص ۱۷

راست شدن کار، قیام نمودن به شان اهل خود و کفالت کردن، مطالبه کردن از مدیون، شروع کردن، مایحتاج زن را بر خود گرفتن و به حال او پرداختن و تیمار نمودن، برخاستن، ایستادن، بلند شدن، قیام در لغت انتصاب (ایستادن) است و مراد از آن قیام به عبادات و احکام شریعت و طریقت است.^۱

- "مص [ع] (ق) برخاستن، بپا خاستن، جنبش، نهضت، ایستادن."^۲
اصطلاحی:

"وقتی در یک جامعه یا سرزمین حکومت وقت به مردم ظلم و ستم کند و دچار فساد اخلاقی و... شود؛ در صورتی که گروهی از مردم به رهبری یک فرد، به پاخیزند و دست به حرکات مسلحانه بزنند، به این حرکت آنان قیام می گویند."^۳
مراد از قیام در این مقاله به معنای جنبش، نهضت، بپا خاستن و نیز قیام به عبادت و احکام و شریعت و طریقت است.

اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی قبل از قیام امام حسین (علیه السلام)

برای شناخت درست نهضت امام حسین (علیه السلام) و درک صحیح از آثار سیاسی و اجتماعی قیام سیدالشهدا بر جامعه اسلامی، ابتدا باید اوضاع سیاسی و اجتماعی قبل از قیام امام حسین (علیه السلام) را خوب بشناسیم؛ به همین منظور، اوضاع سیاسی و اجتماعی در دو بخش مورد بررسی قرار می گیرد:

۱. اوضاع سیاسی و اجتماعی از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سال یازده هجری قمری تا سال سی و پنج هجری قمری، پایان خلافت عثمان

^۱ - ر.ک: دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۲۷۶۱

^۲ - عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ص ۸۲۴

^۳ - شریفی، محسن، قیام های شیعی، ج ۱، ص ۳۰

۲. اوضاع سیاسی و اجتماعی از سال سی و پنج هجری قمری تا سال شصت و یک هجری، مقارن با قیام امام حسین (علیه السلام) (عصر استقرار جاهلیت نو)

۱. اوضاع سیاسی و اجتماعی از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا پایان خلافت عثمان (۱۱ تا ۳۵ ق)

"جامعه عرب پس از سقوط در گرداب‌های ژرف آداب و سنن و خرافات جاهلی با دستان مؤید و منصور نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و در پرتو آیات قرآن کریم به ساحل نجات رهنمون گردید و حیاتی انسانی و الهی به خود گرفت، جهل و بی وجدانی به عنوان دو آفت بنیانی آن تا حد زیادی دفع گردید؛ لیک عقاید و باورهای دینی مجال آن را نیافت تا در عمق جان امت اسلامی جای گیرد؛ از این رو همواره بیم آن می‌رفت با رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اعتقاد و انگیزه‌های الهی مردم سست شود و انحرافات و تعصبات جاهلی مجدداً رشد کند.

از قضا در واپسین روزهای عمر پربرکت آن حضرت آنچه از آن احساس خطر می‌شد خودنمایی کرد. هنوز پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقاب خاک بر چهره نکشیده بود که پندارها و حمیت‌های کهن عرب در دل‌ها زنده شد و آثار شومش را بر جای گذاشت؛ امت اسلامی به ولای بهت و حیرت زدگی گرفتار شد؛ ابوذر در مسجدالنبی می‌نشست و با ندای (أَيُّهَا الْأُمَّةُ الْمُتَحِيرَةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا!) مردم مدینه را بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) امتی حیران و سرگردان می‌خواند.

از این پس، تاریخ اسلام شاهد رنگ باختن اعتقادات و انگیزه‌های مذهبی و سیر قهقرایی جامعه به سوی خلیق و خوی جاهلی گردید.^۱ در این دوران می‌بینیم جامعه در ابعاد مختلف به جاهلیت برگشتند.

پس این دوره، خود به دو دوره قابل انقسام است:

^۱ - سلیمانی، جواد، امام حسین جاهلیت نو، ص ۵۳

۱. الف: حرکت نظام ارزشی به سوی جاهلیت

پیش از اسلام رسم بر این بود که صاحبان مال و منال و فرزند، پایگاه اجتماعی برتری داشتند؛ عرق و عصبیت قبیله‌گی مرد شرط مردانگی او به حساب می‌آمد؛ حمایت از قوم خویش در هر شرایطی مایه افتخار بود؛ شعار عرب این بود: برادرت را یاری کن چه ستمکار باشد و چه ستمکش. ولی در پرتو اسلام، بذر ارزش‌های قرآنی در جان مردم کاشته شد؛ تقوا و ایمان و عمل صالح معیار فضیلت انسان‌ها بر یکدیگر گردید؛ این تحول مبارک نتیجه خون‌هایی بود که در پای احیای این ارزش‌ها ریخته شد و نیز نتیجه پایمردی - ها و بی سرپرست شدن زنها و یتیمی فرزندانشان بود.

اما افسوس که در دوران خلافت سی و پنج ساله سه خلیفه‌ی اول مسلمین و به خصوص در عصر خلافت عثمان، رفته رفته روح پارسایی در جامعه فروکش کرد و معیارهای عصر جاهلی دیگر بار زنده شد. غنائم کلان ناشی از فتوحات پی در پی، حرص و ولع مردم را به جمع مال و ثروت برانگیخت؛ عده‌ای از این رهگذر سرمایه‌های بادآورده اندوختند؛ اندک اندک تمکن و ثروت مایه ارزش گردید تا بدان‌جا که به استثنای علی (علیه السلام) همه کسانی که از سوی عمر برای خلافت بعد از او نامزد شده بودند از متوملین و سرمایه‌داران گردیدند.^۱

"نسب و نژاد و قبیله‌ی افراد مایه برتری آن‌ها بر یکدیگر قرار گرفت؛ سخنگوی مهاجرین در سقیفه گفت: ما (قریش) بهترین و شریف‌ترین مردم در نسب و خون هستیم"^۲ (پس باید خلیفه از میان ما باشد)؛ اعضای شورای عمر هم از قریش بودند.

^۱ - ر.ک: مسعودی، علی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۴۲

^۲ - سلیمانی، جواد، امام حسین و جاهلیت نو، ص ۵۵

"در دیوان عمر، مقرری سالیانه مهاجرین بدری پنج هزار درهم ولی سهم این انصار بدری چهار هزار درهم بود."^۱

"بالاخره مال و ثروت و عصبیت قومی و عشیره‌ای و ده‌ها ملاک دیگر عصر جاهلی در این مقطع بیست و پنج سال حاکمیت خلفای راشدین دوباره به صورت معیار ارزش و امتیاز انسان‌ها بر یکدیگر درآمد و ارزش‌های جاهلی دوباره جان گرفت."^۲

۱. ب: پیدایش ساختار سیاسی جاهلی

طبق تعالیم قرآن، هیچ کس غیر از خداوند و نفوس منتخب و منصوب الهی حق حاکمیت و فرمانروایی بر مردم را نداشت و در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آن حضرت از سوی خداوند مأمور حکمرانی بر اساس دستورات الهی بود.

در زمان حیاتش، خداوند متعال، امت اسلامی را به اطاعت از (اولی الامر) صاحبان امر خواند؛ جابر از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: این صاحبان امر چه کسانی هستند که اطاعت از آنان همانند اطاعت از شما بر ما واجب است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) علی (علیه السلام) را به عنوان اولین آن‌ها معرفی نمود؛ آنگاه یازده امام دیگر را برایش شمرد.^۳

با وقوع این حادثه بزرگ، حجت بر امت اسلامی تمام شد و مشکل رهبری جامعه پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آسان گردید؛ هم معیار حاکمیت در پرتو قرآن روشن شد و هم حاکم از سوی خداوند متعال معین شد. لیک با کمال تأسف امت اسلامی، علی (علیه السلام) این ولی منتخب الهی را که می توانست خطی را که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای سعادت بشر ترسیم کرده بود تعقیب کند رها نمود و برای تعیین خلیفه به معیارهای جاهلی چنگ زد.^۴

۱ - همان، ص ۵۵

۲ - همان، ص ۵۷

۳ - ر.ک: طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۴، ص ۴۰۹

۴ - ر.ک: سلیمانی، جواد، امام حسین و جاهلیت نو، ص ۶۵

"برتری نژادی، انتخاب شورایی، مبنای تعیین حاکم سیاسی قرار گرفت در حالی که هر دو از معیارهای عصر جاهلی برای انتخاب رئیس قبیله بود و سرانجام حکومت به دست تیره اموی قریش افتاد که در عصر جاهلیت صاحب بالاترین نفوذ سیاسی بودند."^۱

۲. عصر استقرار جاهلیت نو (سال ۳۵ تا ۶۱ هجری، دوران امامت امام حسین (علیه السلام))

از سال سی و پنج هجری، جهان اسلام تحت نفوذ تیره سفیانی امویان یعنی معاویه قرار گرفت و سال چهل و یک هجری با صلح امام حسن (علیه السلام) حاکمیت جهان اسلام به طور رسمی به معاویه منتقل شد؛ بعد از آن تا سال شصت و یک هجری یعنی پایان خلافت یزید حاکمیت جهان اسلام به دست سفیانیان قرار داشت. در این دوران جامعه در مسیر حرکت به سوی جاهلیت قرار گرفت و فرهنگ و اخلاق و ساختار اقتصادی و سیاسی به کلی به رسم پیش از اسلام درآمد؛ کیفیت تحکیم جاهلیت در این دوره که عصر استقرار جاهلیت نامیده شده به قرار زیر بوده است:

۱. مال و منال و تعصبات قومی و عشیره‌ای که معیار تشخیص حق از باطل در عصر جاهلی بود بار دیگر ملاک ارزش گذاری و سوگیری اجتماع قرار گرفت؛ افرادی پیدا شدند که با چند درهم یا دینار بندگان صالح خدا را سر می‌بریدند؛ شعرا بین قبائل اختلافات قومی و قبیله‌ای می‌انداختند که ریشه همه این‌ها همان عرق خویشاوندی آنان بود.

۲. مفساد اخلاق اجدادی عرب روز به روز بیشتر شد؛ شراب‌خواری و زن‌بارگی قبح خود را از دست داد و رونقی دوباره گرفت؛ حسد، حقد، غارتگری و فجایع وحشتناکی چون کشتار کودکان و اسارت زنان به وقوع پیوست که همه این‌ها مظهری از اخلاق جاهلی به شمار می‌آمد.

^۱ - همان، ص ۷۶

۳. امراض نظام معیشتی پیش از اسلام بار دیگر عود کرد و در سایه تبعیض و بی‌عدالتی در توزیع بیت‌المال، جامعه به دو قشر اغنیای دنیاپرست و ضعفای تهی‌دست تبدیل گردید که در این میان موالی بیشترین خسارت را متحمل شدند و گران‌ترین اجحاف را به خود می‌دیدند.

علاوه بر این‌ها رباخواری برای نخستین بار در این دوران به صورت علنی محقق شد و فساد مالی ربا خواران مکه و مدینه، عصر بعثت را تداعی کرد.

۴. عصیبت قومی و کهنسالی و اشرافیت (میراث نظام سیاسی جاهلی) جزء معیارهای مدیریت سیاسی جامعه قرار گرفت و حاکمیت سیاسی درست در چنگ معاویه و یزید، فرزندان سرکرده سیاسی عرب قبل از اسلام یعنی ابوسفیان قرار گرفت.^۱

"هر قومی که قدرت افزون تری داشت منویات خویش را برقبائل دیگر تحمیل می‌کرد. در این میان قریش، مقتدرترین و متنفذترین قبیله محسوب می‌شد که اشراف مکه در رأس آن قرار داشتند.

آنان حاکمیت خویش را در قالب مقررات ظالمانه‌ای بر سایر تیره‌های عرب اعمال می‌کردند، حجاج را موظف می‌ساختند لباس طواف را از آن‌ها بخرند و گرنه برهنه طواف کنند و اگر با لباس خویش طواف کردند پس از طواف، آن را دور بیندازند (تا ناگزیر به خرید لباس از قریش شوند) و یا حرکتشان از منی و رمی جمرات می‌بایست با اجازه قریش باشد.^۲

^۱ - ر.ک: همان، ص ۱۱۶

^۲ - همان، ص ۴۳

۵. کوه نظری و خفتگی وجدان به عنوان دو عامل اساسی گسترش جاهلیت در میان امت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بنیانی محکم یافت و شتاب حرکت اجتماع به سوی آداب و سنن نیاکانشان بیشتر گردید.^۱

ظهور جاهلیت عصر امام حسین (علیه السلام) در بستر دینی تأثیر منفی بسیاری بر اسلام گذاشت و آن را تحت الشعاع خود قرار داد و پیامدهای زیر را به بار آورد:

۱. همزمان با رسوخ تیرگی های جاهلیت در روح و روان مسلمین، دین اسلام به صورت مختلف دچار دگرگونی شد؛ در احکام دین تحریف ایجاد کردند و از عمل به آن ها سرباز زدند؛ احادیث بی شماری از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جعل کردند و به نام سنت نبوی به خورد مردم دادند؛ مکاتب انحرافی چون جبرگرایی و قدریه را ترویج نمودند؛ بدین گونه ریشه امر به معروف و نهی از منکر خشکید.

۲. اسوه ها و الگوهای الهی از کلیه صحنه های اجتماع حذف شدند و به جای و در نخلستان- ها، کنج خانه هایشان حبس شدند؛ شیعیان علی (علیه السلام) با تهدید و شکنجه و تبعید و قتل و غارت سرکوب شدند و این گونه بود که مظاهر اسلام اصیل از فعالیت های اجتماعی محو گردیدند.

۳. هرچه جاهلیت پیشتر می رفت و نیز تهاجم فرهنگی به اسلام بیشتر می شد و مفاخر دین از صحنه برون می شدند اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) از متن اجتماع بیشتر زدوده می شد و از مسلمانی جز نامی باقی نمی ماند؛ کم کم بازار دین فروشان داغ شد و دین و غیرت دینی رو به اضمحلال رفت.^۲

"در زمان امام حسین (علیه السلام) انحراف از اصول و موازین اسلام که از "سقیفه" شروع شده و در زمان عثمان گسترش یافته بود به اوج خود رسیده بود. در آن زمان معاویه که

^۱ - ر.ک: همان، ص ۱۱۶

^۲ - ر.ک: سلیمانی، جواد، امام حسین و جاهلیت نو، ص ۱۳۶

سال‌ها از سوی خلیفه دوم و سوم به‌عنوان استاندار در منطقه شام حکومت کرده و موقعیت خود را کاملاً تثبیت کرده بود، بنام خلیفه مسلمین سرنوشت و مقدرات کشور اسلامی را در دست گرفته، حزب ضداسلامی اموی را بر امت اسلامی مسلط ساخته بود و به کمک عمال ستمگر و یغماگر خود مانند: زیاد بن ابیه، عمر و بن عاص، سمره بن جندب و... حکومت سلطنتی استبدادی تشکیل داده، چهره اسلام را وارونه ساخته بود.

معاویه از یک سو سیاست فشار سیاسی و اقتصادی را در مورد مسلمانان آزاده و راستین اعمال می‌کرد و به کشتار و قتل و شکنجه و آزار و تحمیل فقر و گرسنگی بر آنان از هرگونه اعتراض و جنبش و مخالفت جلوگیری می‌کرد و از سوی دیگر با احیای تبعیض‌های نژادی و رقابت‌های قبیله‌ای در میان قبایل آنان را به جان هم می‌انداخت و از این‌رهگذر نیروهای آنان را تضعیف می‌کرد تا خطری از ناحیه آن‌ها متوجه حکومت وی نگردد و از سوی سوم به کمک عوامل مزدور خود با جعل حدیث و تفسیر و تأویل آیات قرآن به نفع خود افکار عمومی را تخدیر کرده و به حکومت خودش و جهت‌ی مشروع و مقبول می‌بخشید.

این سیاست ضداسلامی، به اضافه عوامل دیگری همچون ترویج فرقه‌های باطل نظیر: جبریه و مرجئه که از نظر عقیدتی با سیاست معاویه همسو بودند آثار شوم و مرگ‌باری در جامعه به وجود آورده و سکوت تلخ و ذلت‌باری را بر جامعه حاکم فرما ساخته بود.

در اثر این سیاست شوم شخصیت جامعه اسلامی مسخ و ارزش‌ها دگرگون شده بود؛ به طوری که مسلمانان با آن که می‌دانستند اسلام هیچ وقت اجازه نمی‌دهد آنان مطیع زمامداران بیدادگری باشند که بنام دین بر آن‌ها حکومت می‌کنند، باین حال بر اثر ضعف و ترس و ناآگاهی، از زمامداران ستمگر پشتیبانی می‌کردند. در اثر این سیاست، مسلمانان، بر خلاف منطق قرآن و تعالیم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تبدیل به افرادی ترسو و سازش‌کار و ظاهر‌ساز گشته بودند.

تاریخ این دوره از زندگی مسلمانان، پر از شواهدی است که نشان می‌دهد این دگرگونی و انحراف فراگیر شده، جامعه اسلامی را با خود هم رنگ ساخته بود.^۱ به طور خلاصه اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه عرب، قبل از قیام امام حسین (علیه السلام) را می‌توان در قالب دو دوره بررسی کرد:

۱. اوضاع سیاسی و اجتماعی از زمان رحلت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا پایان خلافت عثمان (۱۱-۳۵ق)؛ بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، جامعه عرب نجات یافته از جاهلیت، دوباره در دوره خلافت سه خلیفه، رنگ جاهلیت، البته جاهلیت نوین را به خود دید. این دوران خود به دو دوره قابل انقسام است: الف: حرکت نظام ارزشی به سوی جاهلیت ب: پیدایش ساختار سیاسی جاهلی.

۲. عصر استقرار جاهلیت نو (۳۵ تا ۶۱ه.ق؛ دوران امام حسین (علیه السلام)) م. در این دوران، جهان اسلام، تحت نفوذ معاویه قرار گرفت و در سال ۴۱ هجری با صلح امام حسن (علیه السلام)، حکومت جهان اسلام رسماً به معاویه منتقل شد؛ در این دوران، ساختار سیاسی و اقتصادی و اخلاق و... به رسم پیش از اسلام درآمد.

آثار اجتماعی قیام امام حسین (علیه السلام)

دین، یکی از سرچشمه‌های فرهنگ در جوامع بشری است و صلاح و فساد هر جامعه به صلاح و فساد اندیشه دینی در آن جامعه وابسته است. جامعه اسلامی در زمان امام حسین (علیه السلام) از نظر عقاید و اندیشه‌های دینی، به شدت آسیب دیده بود و نگرش مردم نسبت به دین، نگرشی سطحی شده بود. حکام جور در این دوره بحرانی، از دین تنها به عنوان ابزاری برای حفظ حکومت و عاملی برای سکوت و سکون توده مردم بهره می‌بردند؛ مردمی که همه چیز را به قضا و قدر سپرده بودند و از هر گونه مسئولیت اجتماعی شانه خالی می‌کردند.

امام حسین (علیه السلام) به عنوان مظهر اسلام ناب محمدی با قیام خود عزم بر کشیدن خط بطلان بر تفسیرها و برداشت‌های رایج دین کرد و با احیای دین حقیقی، وجوه پویا، سازنده و جهت‌دهنده‌ی این راه را برای مردم نمایان ساخت. لذا فرمودند: " **إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلِبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِي وَ أَبِي عَلِيٍّ أَبِي طَالِبٍ** ". عامل اصلی انسجام امت اسلامی، دین است و اصلاح امت جز با اصلاح دین امکان‌پذیر نیست؛ اصلاح دین نیز به نظامی از کنترل و پیشرفت وابسته است؛ این نظام همان امر به معروف و نهی از منکر است.

امر به معروف و نهی از منکر برای انسان مسئولیت اجتماعی می‌آفریند و او را دچار نوعی بی‌قراری می‌سازد تا نسبت به امور مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در جامعه، بی‌تفاوت و بی‌تحرك نباشد. امر به معروف و نهی از منکر هنگامی که مبتنی بر فهم صحیح از دین باشد و از معیارهای اسلام یعنی سیره نبوی و علوی سرچشمه بگیرد، جامعه را از حالت ایستایی خارج می‌سازد و منجر به رشد و بالندگی آن می‌گردد .

امام حسین (علیه السلام) که عصاره اسلام ناب محمدی است، قیام می‌کند تا نشان دهد که آنچه را که بنی‌امیه به عنوان ابزار توجیه حکومت خود استفاده می‌کند، دین نیست بلکه نیرنگ و فریب است و دین، تنها در عبادات فردی و جماعات بدون تحرك خلاصه نمی‌شود و اسلام حقیقی با وجود چنین حکومتی سازگار نیست.^۱

"راه‌های اصلاح جامعه به دو صورت متصور بود: یکی اصلاح فرهنگی، که این کار در آن روزگار ثمربخش نبود زیرا اولاً زمینه کار فرهنگی وجود نداشت و ثانیاً بر فرض وجود زمینه مناسب، فرصت طولانی می‌طلبید؛ لذا نمی‌توانست اسلام را که به سرعت رو به اضمحلال و نابودی می‌رفت نجات دهد و مردم را از فرهنگ جاهلی برهاند؛ بدین رو تلاش برای اصلاح فرهنگی، تلاشی عبث و بیهوده بود.

۱- ر. ک : بابا پور گل افشانی، محمد مهدی، جلوه‌های سبز و سرخ عاشورا، ص ۳۰۰

دومین راه اصلاح جامعه، مبارزه و جهاد بود که یا با پیروزی و دستیابی به حکومت منتهی می‌شد و یا به شهادت آن حضرت می‌انجامید؛ که هر دو مایه صلاح جامعه بود؛ زیرا با رسیدن امام حسین (علیه السلام) به حکومت تمام ارکان اداره حکومت جهان اسلام به دست آن حضرت قرار می‌گرفت و طبیعتاً زمینه زدودن سنن جاهلی و احیای دین فراهم می‌آمد؛ از سوی دیگر با شهادت ابی‌عبدالله (علیه السلام) در یک مبارزه خونین هم، وجدان مردم بیدار می‌شد.^۱ استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید: "امام حسین (علیه السلام) به واسطه شخصیت عالی قدرش، به واسطه شهادت قهرمانانه‌اش، مالک قلب‌ها و احساسات صدها میلیون انسان است. اگر رهبران مذهبی بتوانند از این مخزن عظیم در جهت شکل دادن و هم‌رنگ کردن و هم احساس کردن روح‌ها با روح عظیم حسینی بهره‌برداری صحیح کنند جهان اصلاح خواهد شد."^۲ و همچنین "خط اسلام ناب توسط آن حضرت برای همیشه ترسیم می‌گردید و چهره کریه امویان به عنوان مبلغان جاهلیت قبل از اسلام هویدا می‌شد. کما اینکه فردای عاشورا این بیداری و بصیرت دینی با قیام‌های حق طلبانه‌ای چون قیام توابین و شهید فخر و زید بن علی صدها انقلاب خونین دیگر الهام گرفته از مکتب عاشورا به اثبات رسید."^۳

جمله امام حسین (علیه السلام) یعنی "من برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کردم" جایگاه اساسی و اصلی امر به معروف و نهی از منکر را نشان می‌دهد. امام حسین (علیه السلام) با این عبارت می‌خواهند نقش محوری امر به معروف و نهی از منکر را نشان دهند؛ به گونه‌ای که هدف نهایی قیام خویش را تحقق این امر می‌دانند. اگر توجهی به جایگاه اصیل امر به معروف و نهی از منکر شود، مقصود حضرت از این سخن روشن تر خواهد شد.^۴

۱ - سلیمانی، جواد، امام حسین و جاهلیت نو، ص ۱۹۵

۲ - محمدی اشتهاردی، محمد، نگاهی بر زندگی امام حسین (علیه السلام)، ص ۱۰۶

۳ - سلیمانی، جواد، امام حسین و جاهلیت نو، ص ۱۹۵

۴ - گروه مولفان، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، ص ۸۹

برخلاف تبلیغاتی که دنیا برای صلح و علیه خشونت دارد، مسئله جهاد در راه دین در تمام ادیان آسمانی بوده و یک ضرورت حتمی است.

مثلاً در تورات می‌خوانیم:

ساکنان شهر را بدم شمشیر بکش و اموالشان را جمع نمای. همگی ایشان را هلاک ساز و ترحم مکن. چون برای مقاتله بیرون روی و دشمن را زیاد بینی نترس. برادر و دوست و همسایه خود را بکشد تا کفاره گوساله پرستی باشد. موسی جمعیتی را به سوی جنگ حرکت داد و مقاتله مهمی صورت گرفت .

یا در انجیل لوقا می‌خوانیم: دشمنان را که نخواستند من بر ایشان حکمرانی کنم، در این جا حاضر ساخته پیش من به قتل رسانید. هر کس شمشیر ندارد جامه خود را فروخته آن را بخرد.^۱

بلکه علت فرستادن رسولان و انبیا الهی است؛ زیرا عالم مادی عالم اختلاط حق و باطل، ظلمت و نور است و این امور گاهی چنان درهم تنیده می‌شود که شناخت آن‌ها و عمل به آن دشوار می‌گردد؛ لذا ادیان الهی با شناساندن معروف‌ها و منکرها و در واقع حق و باطل، ظلمت و نور و به دنبال آن دستور به انجام معروف‌ها و ترک منکرها، آدمی را به صراط مستقیم هدایت می‌کنند.^۲

قرآن نیز به این مسئله در سوره‌های بقره و آل عمران و مائده اشاره کرده است؛ مثلاً در سوره مائده آیه ۲۴ می‌فرماید: " قالوا یا موسیٰ انا لن ندخل ابداً ماداموا...؛ گفتند: ای موسیٰ تا آنان در آنجا آیند ما هرگز وارد آنجا نخواهیم شد پس تو و پروردگارت بروید [و با آنان] بجنگید که ما [تا پایان کار] در همین نشستیم ایم."^۳

۱- ر.ک: رحمتی شهرضا، محمد، گنجینه‌های معارف، ج ۱، ص ۴۰۲

۲- ر.ک: گروه مولفان، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، ص ۸۹

۳- سوره مائده، آیه ۲

در باب اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در نهج البلاغه آمده است: "ما اعمال البرّ کلّها و الجهاد فی سبیل الله عند الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کفثته فی بحر لجی؛ تمامی اعمال و کارها حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر مانند قطره‌ای در مقابل یک دریای بزرگ و پهناور است."^۱

"امام باقر (علیه السلام) نیز در حدیثی می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران است برنامه افراد صالح و شایسته است واجبی است که سایر واجبات در گرو آن عقاب می‌شوند امنیت راه‌ها در سایه آن حاصل می‌شود حلیت کسب‌ها به سبب آن است در سایه امر به معروف و نهی از منکر است که دانشمندان را به رعایت انصاف و امی دارد کارها در سایه امر به معروف و نهی از منکر به سامان می‌رسد."^۲ و نیز در غررالحکم و دررالکلم آمده است: "غایه الدین الأمر با معروف و النهی عن المنکر و إقامة الحدود؛ نهایت دینداری، امر به معروف و نهی از منکر و با داشتن حدود الهی است."^۳

"بنابراین، اصل امر به معروف و نهی از منکر مخصوص امام حسین (علیه السلام) نیست بلکه وظیفه تمامی پیامبران، رسولان، امامان، صالحان و مؤمنان می‌باشد اما از آنجا که معروف و منکر در زمان سیدالشهدا (علیه السلام) به شدت مختلط گردیده و از آن سوی دیگر منکر در تمامی ابعاد، رایج شده بود و معروف در تمام ساحتهایش متروک مانده بود و این وضعیت منجر به خاموشی دین اسلام و فراموشی سنت نبوی و علوی گشته بود ابا عبدالله (علیه السلام) اعتراض به وضع موجود و احیای سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و دین اسلام و دفاع از آن را تنها در سایه امر به معروف و نهی از منکر محقق می‌دانست به همین دلیل

۱ - نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴

۲ - گروه مولفان، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، ص ۹۰

۳ - رحمتی شهرضا، محمد، گنجینه معارف، ج ۱، ص ۱۱۸

آن حضرت هدف از قیام خویش را اصلاح جامعه به وسیله امر به معروف و نهی از منکر بیان کرد.^۱

اصلاح همه جانبه امت اسلامی

"نهضت امام حسین (علیه السلام) اسلامی بود و اسلام، دین جامع و فراگیر است. از این رو قیام آن حضرت (علیه السلام) برای اصلاح همه جانبه‌ی امت بود؛ همان‌طور که سیره جد و پدر بزرگوار ایشان (سلام‌الله‌علیهم) اصلاح همه‌جانبه‌ی امت اسلامی بود.

گاهی معلمی قیام می‌کند و انگیزه او اصلاح فرهنگی است و کاری به سایر شئون و جهات اسلامی و انسانی ندارد یا اقتصاد دانی قیام می‌کند و انگیزه‌اش بهبودی روابط اقتصادی مردم است و کاری به جهات دیگر آنان ندارد، یا مصلح دیگری برای هدف معین دیگری قیام کند و کاری به اهداف دیگر ندارد؛ ولی زمانی که پیامبر و امام (علیه‌السلام) قیام می‌کنند، انگیزه‌ی آنان اصلاح همه شئون مردم است؛ چون آن‌ها آورنده‌ی دین الهی‌اند که به همه شئون جوامع بشری نظر دارد. اگر قیام انبیای دینی است، انگیزه‌ی قیام آن‌ها اصلاح همه شئون دینی و دنیایی انسان‌ها خواهد بود.

به‌یقین، کسی که دین را در گوشه‌ای از شئون زندگی مردم خلاصه می‌کند، نهضت انبیا را نیز یک بعدی می‌داند؛ اگر کسی دین را از سیاست جدا بداند، هدف انبیا را هم در یک گوشه خلاصه می‌کند و اگر به خودش اجازه ندهد که هدف انبیا را در گوشه‌ای تلخیص کند، هدف امامان را در یک بعد خلاصه می‌کند. نیز اگر نتوانست قلمرو قیام امامان معصوم (علیهم‌السلام) را تهدید نماید، در گام بعدی رسالت علما و جانشینان ائمه را در یک گوشه خلاصه می‌کند.

خلاصه آنکه اگر تفکر کسی، جدایی دین از سیاست باشد او نمی‌تواند بپذیرد که رهبری دینی قیامی سیاسی داشته باشد؛ زیرا چنین متفکری جهان را فقط در بعد تعلیم و تهذیب،

^۱ - گروه مولفان، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، ص ۹۰

شایسته‌ی رهبری می‌شناسد و نه در ابعاد دیگر؛ ولی حق این است که دین برای اصلاح همه شئون مردم است و قیام انبیا که از طرف خدای سبحان، دین الهی را آورده‌اند و نیز قیام امامان که حافظان همان دینند و نهضت علمای عادل که وارثان همان امامانند، همگی برای اصلاح تمام شئون مردم است و این همان قیام سیاسی است.

سالار شهیدان، جانشین پیامبر بوده و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دین الهی را آورده‌است و دین خدا گذشته از جریان و جنبه‌های عبادی و دادوستدها و قوانین و برنامه‌های فردی، دارای حدود، قصاص، تعزیرات، روابط بین‌الملل و مانند آن است. قهراً قیام امام حسین (علیه السلام) که برای احیای مآثر و ارائه‌ی آثار دینی الهی بود، قیام همه جانبه است. از این رو آن حضرت در وصیتنامه‌ی خود مرقوم فرمودند: من به این منظور قیام کردم که امور امت جدم را اصلاح کنم.^۱

تشخیص "حق" از "باطل"

"قیام سالار شهیدان به دنبال قیام انبیای گذشته، به مردم جهان تفهیم می‌کند که نظام حق کدام است و نظام باطل کدام؛ آن حضرت (علیه السلام) برای تحقیر و تفهیم این مطلب چاره‌ای جز نثار خون و ایثار فرزند و مال و جان نداشتند؛ زیرا آن قدر رسوبات جاهلیت اموی زیاد بود که ممکن نبود با سخنرانی و نامه-نگاری مطلب را حل کرد. اگر مطلب خیلی ضروری و عمیق شد، چاره‌ای جز استقبال شهادت نیست. از این رو وجود مبارک حسین بن علی (علیه السلام) از ذات مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) این برنامه را دریافت کرده‌اند که در شرایط کنونی، یک سلسله شهادت‌ها و اسارت‌ها لازم است تا آن دینی که می‌رود به فراموشی سپرده شود، احیا گردد و در این هنگام بود که حسین بن علی (علیه السلام) قیام کردند.

۱- جوادی آملی، عبدالله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۳۴

آن حضرت (علیه السلام) آیات قرآن کریم را در فرصت‌های مناسب می‌خواندند؛ هم برای احتجاج با دیگران و هم برای توجیه همراهان، هم برای محاجه با خصم و این‌که حجت بالغه بر ضد نظام ستم باشد و هم توجیه خوبی باشد برای صحابه خود .

آن حضرت (علیه السلام) هم مفسر و مبین قرآن بود هم به استناد آیه " و جادلهم بالّتی هی احسن " احتجاج می‌کرد.^۱

گاهی ایشان این آیه را تلاوت می‌کردند: " ولا یحسبنّ الذین کفروا أنّما نملی لهم خیر لأنفسهم إنّما نملی لهم لیزدادوا إثماً و لهم عذاب مهین . " ^۲ که این آیه را زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) نیز در دربار کوفه و هم در شهر شام تلاوت کرد و به آن احتجاج نمود. آنگاه فرمودند: " ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما أنتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیب " ^۳؛ "یعنی وقت صلح و زمان آرامش، افراد پاک و ناپاک در کنار هم به سر می‌برند ولی زمان جنگ پاکان از ناپاکان جدا می‌شوند. امام حسین (علیه‌السلام) فرمودند: من قیام کردم تا پاک از ناپاک جدا شود؛ زیرا تا آزمون نشود وارسته و غیروارسته در کنار همند و امتحان است که پاک را از ناپاک و حق را از باطل جدا می‌کند. پس آن حضرت مایع امتحان ذات اقدس پروردگار است و خدا با او طیب و غیر طیب را از هم جدا می‌کند؛ چون امام میزان الاعمال و شجره طوبی و حق است و عقاید، اوصاف و اعمال را با هم با حق می‌سنجند؛ یعنی عقیده امام معصوم (علیه‌السلام) که حق است، میزان سنجش عقاید دیگران و همچنین درباره اوصاف و اعمال می‌توان میزان بودن آنها را باور داشت ."^۴

۱ - جوادی آملی، عبدالله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۴۶

۲ - سوره آل عمران، آیه ۱۷۸

۳ - همان، آیه ۱۷۹

۴ - جوادی آملی، عبدالله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۴۶

پس می توان گفت امام حسین (علیه السلام) به واسطه شخصیت عالیقدرش و نیز شهادت قهرمانانه اش مالک قلبها و احساسات صدها میلیون انسان می باشد. ایشان با احیای دین حقیقی باعث انسجام امت اسلامی گردید و با زنده کردن اصل امر به معروف و نهی از منکر سبب اصلاح امت و خروج از ایستایی و در نتیجه رشد و بالندگی بشریت شده است.

آثار سیاسی قیام امام حسین (علیه السلام)

در مبحث قبل، به این مطلب دست یافتیم که احیای فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر از دستاوردهای مهم اجتماعی قیام عاشورایی امام حسین (علیه السلام) بوده است؛ این واقعیت یعنی احیای امر به معروف و نهی از منکر، مهم خوانده می شود؛ چرا که این واقعیت، همچون چشمه ای است که افزون بر برکات اجتماعی متعدد دیگر که از آن تراوش می شود، آثار و برکات سیاسی مختلف چون آزادی و ظلم ستیزی، تشکیل حکومت اسلامی و... را از خود برون داد و تراوش کرده و می کند.

۱. آزادی و ظلم ستیزی

"همه پیامبران از میان توده های مردم برخاسته و در زندگی با مشکلات مادی و فقر و رنج دست به گریبان بوده و در راه ساختن جامعه آرمانی خویش با انواع تهدیدها و اربابها و اهانتها و تحقیرهای ستمکاران روبرو بودند.

حسین (علیه السلام) نیز اینگونه بود؛ اگر پیام آوران خدا هرکدام با برخی از مشکلات مادی و سیاسی و اجتماعی روبرو بودند، حسین با تمامی این فشارها و مشکلات و موانع و بیدادگریها رو به رو بود و برای خدا و عدالت و بر انداختن سنت های جاهلی و اموی با همه آنها مبارزه کرد و قهرمانانه در برابر همه نامردیها ایستاد و افتخار آفرید."^۱

^۱ - عزیزی، عباس، فضایل و سیره امام حسین (علیه السلام) در کلام بزرگان، ص ۲۸۷

"سکوت در مقابل حکومت باطل و بی تفاوت بودن نسبت به وضع جامعه موجب نهادینه شدن و ثبات هرچه بیشتر معیارها و ارزش‌های ضد دین می‌گردد و به قدرت‌های جابر، مشروعیت اجتماعی و سیاسی می‌بخشد."^۱

قرآن کریم در آیه ۱۴۰ سوره نساء و آیه ۶۷ سوره انعام می‌فرماید: اگر در مجلسی به آیات الهی توهین می‌شود، جلسه را به عنوان اعتراض ترک کنید تا مسیر بحث عوض شود.^۲ (" وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا"^۳ / "لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ"^۴)

"هنگامی که بنی‌امیه با توسل به معیارهای نژاد پرستانه و استعمار و اغفال مردم سعی می‌نمود که تسلط و حاکمیت خود را بر جامعه اسلامی گسترش دهد، امام حسین (علیه السلام) به این امر اعتراض نمودند و در نامه ای خطاب به وی چنین فرمودند: "انّی لا اعلم فتنه اعظم علی هذه الامه من ولايتک علیها."^۵

هنگامی که معاویه برخلاف سیره رسول الله از امام برای خلافت موروثی خاندان بنی‌امیه و جانشینی فرزندش یزید، بیعت خواست با مخالفت ایشان روبرو شد و محال است شخصیتی که اسوه اسلام محمدی است به چنین ذلتی تن دهد و بر اسلام تقلبی مهر تأیید نهد. امام حسین (علیه السلام) با توجه به دستورات کلی مکتب اسلام، تسلیم حکومت جور نمی‌شود و در مقابل آن واکنش از خود نشان می‌دهد.^۵

۱ - بابا پور گل افشانی، محمد مهدی، جلوه های سبز و سرخ عاشورا، ص ۳۰۲

۲ - رحمتی شهرضا، محمد، گنجینه ی معارف، ج ۱، ص ۱۲۶

۳ - سوره نساء، آیه ۱۴۰

۴ - سوره انعام، آیه ۶۷

۵ - بابا پور گل افشانی، محمد مهدی، جلوه های سبز و سرخ عاشورا، ص ۳۰۱

"امام خمینی (رحمة الله) نیز با اقتدا به امام حسین (علیه السلام) چنین کردند و در مقابل حکومت جابر، همه مصیبت‌ها را تحمل کردند و با ایستادگی و سازش ناپذیری خود مشروعیت اجتماعی و سیاسی نظام شاهنشاهی را برای اولین بار در تاریخ ایران زیر سوال بردند و برای همیشه جور آن را از سر مردم کم کردند.

آزادگی و ظلم‌ستیزی راه امام حسین (علیه السلام) بود که در وجود امام خمینی (رحمة الله) دوباره متجلی گشت؛ خود ایشان می‌فرمایند: "حضرت سیدالشهدا به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد." امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگران زمان به مسلمین حکومت جائزانه می‌کنند، در مقابل او اگرچه قوای شما ناهماهنگ باشد، بپاخیزید و استنکار کنید. اگر کیان اسلام را در خطر دیدیم، فداکاری کنید و خود نثار نمایید."^۱

۲. قیام و شورش در امت اسلامی

قیام بزرگ و حماسه‌آفرین امام حسین (علیه السلام) سرچشمه نهضت‌ها و قیام‌های متعددی در جامعه اسلامی گردید از جمله قیام تواین که نخستین عکس‌العمل مستقیم شهادت امام حسین (علیه السلام) در شهر کوفه بود.

همین که امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید و ابن زیاد از اردوگاه خود در "نخيله" به شهر بازگشت، شیعیان که فرصت طلایی یاری امام در کارزار عاشورا را از کف داده بودند، به شدت پشیمان شده خود را ملامت نمودند؛ آنان تازه متوجه شدند که اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند، زیرا حسین (علیه السلام) را دعوت نموده و سپس از یاری او دست‌نگه داشته‌اند و او که بنا به دعوت آن‌ها به عراق آمده بود، در کنار آنان به شهادت رسیده و آن‌ها از جا تکان نخورده‌اند! این گروه احساس کردند که ننگ این گناه از دامن آن‌ها

شسته نخواهد شد مگر آن که انتقام خون حسین (علیه السلام) را از قاتلان او بگیرند و یا در این راه کشته شوند.

تواین معتقد بودند که مسئول قتل حسین (علیه السلام) در درجه اول، حکومت بنی امیه است نه افراد؛ و لذا به منظور خونخواهی به سوی شام حرکت کردند و گفتند: پس از انتقام از بنی امیه، به سراغ جنایت کاران کوفه می‌رویم.

تنها شیعیان نبودند که به انقلاب تواین پیوستند، بلکه کلیه کسانی که خواهان تغییر اوضاع و شکستن یوغ ظلم دستگاه حکومت اموی از طریق جنبشی خونین بودن به تواین پیوستند.^۱

قیام دیگر قیام "مختار" بود که در سال ۶۶ هجری "مختار بن ابی عبید ثقفی" در عراق قیام کرد تا انتقام خون حسین (علیه السلام) را از قاتلان آن حضرت بگیرد.

مختار دعوت خود را وابسته به "محمد بن حنفیه" فرزند امیر مؤمنان (علیه السلام) معرفی کرد و همین مطلب باعث اطمینان مردم به حرکت وی شد. و شعار خود را جمله "یا لثارات الحسین" قرار داد و این موضوع عراقیان را به تأمین اهداف خویش امیدوار می‌کرد.

مختار قاتلان امام حسین (علیه السلام) را سخت مورد تعقیب قرار داد و به هلاکت رسانید به طوری که ظرف یک روز ۲۸۰ نفر از آنان را کشت و خانه‌های چند تن از سران جنایت-کاران را که فرار کرده بودند از جمله خانه "محمد بن اشعث" را ویران کرد و دستور داد با مصالح آن خانه "حجر بن عدی" شهید و یار جانباز علی (علیه السلام) را که توسط زیاد بن ابیه تخریب شده بود، بسازند.^۲

۳. انقراض بنی امیه

^۱ - ر. ک: پیشوایی، مهدی، سیره ی پیشوایان، ص ۲۳۴

^۲ - ر. ک: همان، ص ۲۲۹

"بحث اجمالی پیرامون نهضت توابین و قیام مختار از این جهت صورت گرفت که این دو قیام تاریخی از نظر زمانی به فاصله کمی پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) رخ دادند؛ وگرنه می‌دانیم که قیام‌های نشأت گرفته از نهضت امام حسین (علیه السلام) منحصر به این‌ها نبوده است، بلکه طی سال‌های بعد، چندین قیام صورت گرفت که بزرگ‌ترین آن‌ها انقلاب عباسیان بود که در سال ۱۳۲ هجری به پیروزی رسید و بساط حکومت "بنی‌امیه" را برچید. نیرومندترین عامل پیروزی عباسیان در این انقلاب شرح ستمگری‌های بنی‌امیه نسبت به بنی‌هاشم و مظلومیت این خاندان بود و از طرفی در تحریک خشم مردم بر ضد بنی‌امیه، یادآوری شهادت امام حسین (علیه السلام) بیشترین تأثیر را داشت."^۱

۴. تشکیل حکومت اسلامی

در عصر سفیانیان، "عصبیت قومی و کهنسالی و اشرافیت که میراث نظام سیاسی جاهلی محسوب می‌شد، جزء معیارهای مدیریت سیاسی جامعه قرار گرفت و حاکمیت سیاسی درست در چنگ معاویه و یزید، فرزندان سرکرده سیاسی عرب قبل از اسلام یعنی ابوسفیان قرار گرفت."^۲

"نقش حکومت‌ها در اصلاح و فساد جوامع بر کسی پوشیده نیست. اسلام، دین جامعی است که اجرای اصول اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن بدون تشکیل حکومت ممکن نیست. برخی از علمای اسلامی بر این عقیده‌اند که مهم‌ترین انگیزه امام حسین (علیه السلام) از انجام این قیام ایجاد حکومت اسلامی بوده است. امام خمینی (رحمة الله) در این زمینه می‌فرماید: زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب (سلام الله علیه)، زندگی همه انبیاء عالم،

^۱ - همان، ص ۲۴۱

^۲ - سلیمانی، جواد، امام حسین و جاهلیت نو، ص ۱۱۷

همه انبیا از اول، از آدم تا حالا همه شان این معنا بوده است که در مقابل حکومت جور، حکومت عدل را می‌خواستند درست کنند.^۱

"بخش عظیم و مهم نگرش احیاگرانه امام خمینی (ره) به نهضت عاشورای حسینی در سیره سیاسی ایشان در قیام و مبارزه علیه ظلم و تشکل بخشی به جامعه شیعه تبلور می‌یابد. امام نهضت خود را به پیروی از قیام خونین امام حسین (علیه السلام) و بر پایه تجربه‌ی تاریخی و عبرت آموزی از نقاط ضعف و قوت قیام‌های شیعیان در طول تاریخ، خصوصاً مبارزات عالمان شیعی در سده‌های اخیر استوار کرد و مسیر مبارزه و اهداف و آینده انقلاب اسلامی را مشخص نمود. سیره عملی ایشان قبل از قیام و پس از آن مبین این حقیقت است که امام بر پایه فرهنگ انسان ساز و عزت آفرین عاشورا، راهکارهایی را بستر تشکل بخشی به شیعه قرار داده است. عاشورا سمبل تجلی و تبلور ارزش‌های ناب اسلامی در تمام ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن است که نقش مهمی در گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه شیعه داشته است؛ از همین روی امام در باره مهم‌ترین عامل موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرماید: "اگر قیام حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) نبود، امروز هم ما نمی‌توانستیم پیروز شویم."^۲

"امام خمینی (ره) که فرهنگ عاشورا را گنجینه عظیم سیاسی دینی و پشتوانه فرهنگ غنی و انسان ساز اسلام می‌دانست با بهره‌گیری از آموزه‌های عاشورایی، حماسه حسینی را اساس قیام و مبارزه خویش قرار داده و به احیای دین پرداخت. امام با شناخت دقیق از سیاست‌های استکبار جهانی در تحمیل و حمایت رژیم پهلوی در ایران و مشابهت‌های فراوان این رژیم با حاکمان اموی با الهام از فرهنگ احیاگر عاشورا و بهره‌گیری از دو عنصر تحرک آفرین دینی، یعنی "امر به معروف و نهی از منکر" و "تکلیف الهی" که

^۱ - بابا پور گل افشانی، محمد مهدی، جلوه‌های سبز و سرخ عاشورا، ص ۳۰۵

- آخبرگزاری صدا و سیما IRIBNEWS AGENCY

شالوده و اساس شکل گیری حماسه عاشورای حسینی را پایه ریزی کردند؛ رژیم دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی را فرو ریخت و مکتب انسان ساز اسلام را حیات مجدد بخشید و غبار تحریف و بدعت را از چهره دین زدود. از مهم ترین دلایل موفقیت امام در پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی احیای نگرش سیاسی ایشان به آموزه های دینی و آمیختگی دین با سیاست بود. اینکه امام خمینی فرمودند محرم و صفر را زنده نگه دارید که با زنده نگه داشتن آن نهضت شما آسیبی نمی بیند و از سوی دیگر می فرمایند پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد ارتباط موجود میان زنده نگه داشتن عاشورا و پیروی از ولایت را نشان می دهد. می توان گفت این دو لازم و ملزوم همد و زنده نگه داشتن عاشورا با حکومت دینی شدنی است و دوام حکومت دینی هم با ولایت میسر است.^۱

"در نقطه مقابل اکثریت ولایت گریز و یا دوستدار ظاهری ولایت دنیا پرستانی که حاضر به حمایت از فرزند سول خدا نشدند می توان صحنه های بدیع و شورانگیزی از ولایت مداری را در عاشورا مثال زد که هر یک مانند اسطوره ای در تاریخ قابل بررسی و مطالعه است.

حلقه اول این ولایت مداری را نزدیکان نسبی امام تشکیل می دهند شخصیت های بی نظیری که پذیرش امر ولی خدا را و عشق به امام زمان خود را با محبت و عاطفه برادری یا پدری و خانوادگی پیوند زده بودند و صحنه هایی را در عاشورا خلق کردند که در تاریخ بشر بی نظیر است. ولایت مداری حضرت عباس (علیه السلام) که در برابر امان نامه دشمنان وفاداری را به جهان آموخت و وقتی که یاران امان در شب عاشورا از میان انگشتان امام حسین جایگاه خود را در بهشت می دیدند حضرت ابوالفضل به امام فرمود: بهشت من تویی! یا وفاداری و ولایت مداری حضرت زینب که حتی هنگام عقد ازدواج

خود با پسر عمش شرط کرد که در صورت سفر کردن امام حسین برادرش همراه او باشد و یا دیگر شهیدان از فرزندان و نوادگان امام علی (علیه السلام) که بنا به قولی تا هفده نفر را شامل می شود و برخی حتی تعداد بنی هاشم شامل فرزندان امام علی و برادر زادگان و دیگر بنی هاشم را تا هفتاد و دو تن نیز ذکر کرده اند.^۱

آری قیام امام حسین (علیه السلام) ارمغان آور ۱. آزادی و ظلم ستیزی (یعنی هنگامی که بنی امیه با توسل به معیار نژادپرستانه و اغفال مردم سعی در گسترش حاکمیت خود بر جامعه اسلامی کردند امام حسین (علیه السلام) ساکت ننشستند و برای اعتراض قیام نمودند) ۲. قیام و شورش در امت اسلامی (قیام امام حسین (علیه السلام) سرچشمه قیام های متعدد دیگر در جوامع اسلامی شد؛ از جمله قیام توابین و مختار) ۳. انقراض بنی امیه (علاوه بر قیام هایی که ذکر شد قیام عباسیان هم الهام گرفته از قیام امام حسین (علیه السلام) بود؛ این قیام بساط حکومت بنی امیه را از صفحه روزگار محو کردند) ۴. تشکیل حکومت اسلامی (نقش حکومت ها در اصلاح و فساد جوامع روشن است. حکومت سفیانیان، حکومتی براساس عصیت قومی و اشرافیت و کهنسالی بود که میراث نظام سیاسی جاهلی محسوب می شد؛ اما حکومت اسلامی، حکومتی براساس اصول دینی و سنت نبوی است).

نتیجه

این مقاله با عنوان "مقایسه ی اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی قبل و بعد از قیام امام حسین (علیه السلام)" به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه قبل از قیام امام حسین (علیه السلام) و سپس آثار اجتماعی قیام امام حسین (علیه السلام) و نیز آثار سیاسی این قیام بر جامعه اسلامی پرداخته است.

قیام امام حسین (علیه السلام) آثاری عظیم و ویژه بر اعمال و رفتار و کردار مسلمانان در طول تاریخ داشته است؛ همچنین این قیام تأثیرگذار بر انقلاب های بی نظیری چون انقلاب

اسلامی ایران و نیز قیام‌های دیگر در سراسر جهان بوده است؛ این بیداری اسلامی تا زمان حال حاضر ادامه یافته و در آینده نیز همچنان تداوم خواهد داشت و تا اسلام زنده است، قیام امام حسین (علیه السلام) نیز در جان‌های بیدار نه تنها جان مسلمین بلکه در جان هر آزاد مردی زنده خواهد بود.

درواقع نهضت امام حسین (علیه السلام) به‌عنوان نهضتی انقلابی، پایدارترین نهضت سیاسی و اجتماعی شیعه است؛ چرا که در آن زمان انحراف از موازین اخلاقی، سیاسی و اجتماعی به اوج خود رسیده بود و حسین (علیه السلام) تنها کسی بود که این جامعه را رو به زوال رفته را می‌بایست بازسازی می‌کرد؛ و این، امام حسین (علیه السلام) و یاران باوفایش بودند که با جهاد خونین خود این کار بزرگ را انجام دادند.

آنچه که در این مقاله، پس از بررسی‌ها، حاصل شده، این است که نهضت امام حسین (علیه السلام) و قیام خونین حضرت، بیانگر ملاک و معیار و میزان در حرکت‌های سیاسی و اجتماعی است که می‌تواند حق را از باطل و هدایت را از گمراهی مشخص کند و تا قیامت چراغ راه پیروان آن حضرت باشد و همان‌طور که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: " **الحسین مصباح الهدی وسفینه النجاه** " امام حسین (علیه السلام) همانند چراغ فروزان و روشنی بخشی هدایتگر بشریت خواهد بود.

داده‌های این مقاله، برخلاف کتب و مقالات دیگر به دور از هرگونه پراکندگی، به صورت یکجا، منظم و با دیدگاه جدید یعنی آثار و برکات، جمع‌آوری شده است.

مقاله مذکور، حاصل تلاش کتابخانه ای در دو بعد قیام عاشورا می‌باشد؛ لذا می‌توان قیام عاشورای امام حسین (علیه السلام) را در دو بعد دیگرش یعنی بعد فرهنگی و بعد اقتصادی بررسی کرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه
۳. بابا پور گل افشانی، محمد مهدی، ۱۳۸۱، جلوه‌های سبز و سرخ عاشورا، ق: آل صمد، اول
۴. بهروز لک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، قم: موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)، دوم، ۱۳۸۸
۵. پیشوایی، مهدی، ۱۳۹۰، سیره‌ی پیشوایان، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام)، چهل و یکم، ۱۳۹۶
۶. جعفری، محمد تقی، ۱۳۸۵، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، پنجم، ۱۳۸۶
۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ویرایش: سعید بندعلی، قم: مرکز نشر اسراء، چهارم، ۱۳۸۶
۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۱۱، تهران: روزنه، اول، ۱۳۷۲
۹. رحمتی شهرضا، محمد، ۱۳۸۵، گنجینه معارف، ج ۱، قم: انتشارات صبح پیروزی، هشتم، ۱۳۸۸
۱۰. سلیمانی، جواد، ۱۳۸۲، امام حسین (علیه السلام) و جاهلیت نو، قم: دفتر نشر معارف، اول
۱۱. شریفی، محسن، ۱۳۸۹، قیام های شیعی (از سال ۶۵ تا ۲۰۲۰ ه.ق)، قم: نشر زائر، اول
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، بی تا، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوع، پنجم، ۱۳۹۴ ه.ق
۱۳. عزیزی، عباس، ۱۳۸۱، فضائل و سیره امام حسین (علیه السلام) در کلام بزرگان، قم: انتشارات صلاة، چهاردهم
۱۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ویرایش: عزیز الله علیزاده، تهران: راه رشد، ۱۳۸۹، اول
۱۵. گروه مؤلفان، ۱۳۸۳، پرسش‌ها و پاسخ‌ها (دانشجویی)، قم: دفتر نشر معارف، دوم

۱۶. محلوچی، محمد، جلوه های سیاست اسلامی (با الهام از اندیشه های سیاسی امام خمینی (ره))، تهران: فیض کاشانی، اول، ۱۳۷۲
۱۷. محمدی اشتهاوردی، محمد، ۱۳۷۳، نگاهی بر زندگی امام حسین (علیه السلام)، تهران: نشر مطهر، ششم، ۱۳۸۶
۱۸. معین، محمد، ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، گردآورنده: عزیز الله علیزاده، تهران: آدنا، ۱۳۸۶، چهارم
۱۹. __، __، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، گرد آورنده: عزیز الله علیزاده، تهران: آدنا، ۱۳۸۶، چهارم
۲۰. مسعودی، علی، بی تا، مروج الذهب، ج ۲، تحقق: عبدالحمید، بیروت: ن. دارالفکر، ۱۴۰۹. ق

سایت ها:

۱. ویکی پدیا <https://fa.m.wikipedia.org>

۲. خبرگزاری صدا و سیما IRIBNEWS AGENCY